

حسینان زندان هاشمیه (بازکاوی علل، شمار واقعی زندانیان و کشته شدگان)

دکتر علی محمد ولوی* لایلا نجفیان رضوی**

چکیده

چالش میان علویان و عباسیان در تحولات قرن دوم هجری موضوع شناخته شده ای است، اما یکی از مهمترین نمادهای این چالش در جریان مقابله منصور و محمد بن عبدالله؛ یعنی ابعاد مختلف دستگیری حسینان در زندان هاشمیه، نیازمند بررسی‌های دقیقتری است. این مقاله بر آن است تا با رویکردی توصیفی- تحلیلی و با واکاوی روایات، ابتدا به چرایی زندانی شدن حسینان پرداخته، سپس با توجه به اختلافی که در تعداد و مصادیق حسینان محبوس شده وجود دارد، با بازکاوی این موضوع، گزارشی دقیقتر از حسینان زندانی شده ارائه دهد.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ناامیدی منصور از دستیابی به محمد و ابراهیم، فرزندان عبدالله محض و نومیثی از بیعت این دو تن، خلیفه عباسی را وادار به نوعی گروگان گیری کرد تا ضمن وارد ساختن فشار روانی اقدامی هیجانی و بی‌برنامه را بر آنان تحمیل کند. این اقدام همچنین جاذف حامیان اصلی حرکت محمد را به دنبال داشت، به طوری که نه تن از زندانیان در دوران حبس جان باختند.

واژه‌های کلیدی

سادات حسنی، منصور عباسی، عبدالله محض، محمد بن عبدالله، زندان هاشمیه، جنبش‌های شیعی.

* Maedeh-8000@yahoo.com

* دانشیار تاریخ، دانشگاه الزهرا

** Leylanajafianrazavi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۲۱

تاریخ وصول: ۸۸/۱۰/۱۵

مقدمه

در اواخر دوران اموی و در حالی که دعوت سری عباسیان فاصله چندانی با کامیابی نداشت، مردم مدینه در آن سوی زوال حکومت مروانیان، به خلافت یکی از نوادگان حسن بن علی (ع)، محمد بن عبدالله محض، چشم دوخته بودند. این موضوع از چشم رهبران نهضت عباسی که بنی اعمام علویان بودند، پنهان نمانده بود. آنان به خوبی می دانستند که وجاهت اجتماعی و موقعیت وراثتی سادات حسنی برتر از آن است که پس از آشکار شدن دعوتشان بتوانند مانع از انحراف آن به سوی خاندان پیامبر (ص) و شخص محمد نفس زکیه شوند. از این رو، با تدبیری هوشمندانه و برنامه ای از قبل طراحی شده، در ابواء (۱) (سال ۱۲۶ ه.ق.) با محمد بن عبدالله برای خلافت بیعت کردند. اگرچه این بیعت متضمن به بار نشستن دعوت عباسیان و تکیه آنان بر کرسی خلافت بود، اما بر روابط عباسیان و سادات حسنی نیز تاثیر گذارد. محمد بن عبدالله با محقق دانستن خود برای خلافت و عدم بیعت با خلیفه وقت، مخفیانه مردم را به سوی خود فرا خواند. مماشات ابوالعباس با حسنین برای دستیابی به نفس زکیه و سخت گیری های آشکار منصور بر آنان نیز خط مشی سیاسی حسنین را تغییری نداد.

دستگیری گروهی از سادات حسنی و نزدیکان آنها، انتقال آنان از مدینه به هاشمیه و محبوس کردن آنان در زیرزمین قصر ابن هبیره (زندان هاشمیه)، از آخرین تدابیر منصور عباسی برای تحت فشار قرار دادن حسنین و محمد بن عبدالله بود. در بسیاری از منابع، به طور پراکنده و در بین روایات مختلف به اسامی این زندانیان، نحوه دستگیر شدن و انتقال آنان به کوفه و شرایط سخت زندان هاشمیه اشاره شده است، اما به

دلیل عدم شناخت دقیق این افراد، مشابهت های نامی، مرگ عده ای از ایشان در زندان و مشخص نبودن زمان مرگ عده ای دیگر، نه تنها پژوهشی مستند در خصوص شناسایی هویت واقعی زندانیان قصر ابن هبیره و سرانجام آنان صورت نگرفته است، بلکه به چرایی این اقدام منصور عباسی نیز توجه نشده است. در این مقاله، ضمن اشاره ای کوتاه به روابط سادات حسنی و عباسیان، ابتدا چرایی دستگیر شدن حسنین بررسی شده و سپس با تطبیق روایات تاریخی، فهرستی دقیق از اسامی دربندشدگان زندان هاشمیه و سرانجام آنان ارائه شده است.

روابط حسنین و بنی عباس

دعوت عباسیان در حدود سال ۱۰۰ هجری آغاز شد (دینوری، [بی تا]: ۳۳۲) (۲). سال های آخر حکومت امویان، شورش ها و قیام های گروه های مختلف، شرایط را برای علنی کردن دعوت آنان فراهم کرد. با این حال، با توجه به جایگاه علویان در جامعه و اقبال عمومی به آنان؛ بنی عباس آگاه بودند که هرگونه حرکت و فراخوانی یکی از اعقاب پیامبر (ص) می تواند جهت دعوت آنان را تغییر داده، کنترل اوضاع را از دستشان خارج نماید. با این آگاهی، بزرگان عباسی از حمیمه (۳) به مدینه رفتند تا وضعیت جامعه مدینه را از نزدیک بررسی کنند (۴). آنان متوجه اقبال عمومی مردم مدینه به محمد بن عبدالله محض (۵) شدند و دریافتند که او خطری جدی برای به بار نشستن دعوت عباسی محسوب می شود. از این رو، با حضور در ابواء و شرکت در جلسه ای که بعدها به بیعت ابواء مشهور گردید، با محمد بن عبدالله بیعت کردند (اصفهانی، [بی تا]: الف: ۱۹۷-۱۹۸). با این اقدام، عباسیان از عدم

الف: ۱۳۲) و فرستادن یکی از خواصش به همراه کاروان حسینیان در بازگشت به مدینه، به منظور بررسی اوضاع و آگاهی از واکنش حسینیان از اقدامات خلیفه (ابن عبدربه، ۱۴۱۹: ۷۴-۷۵) تصویری شفاف از سیاست عدم تمایل سفاح به رویارویی مستقیم با حسینیان را نشان می دهد. همچنین مبین تسلطش بر اوضاع و آگاهی از فعالیت های آنان در پوششی از احترام است. به نظر می رسد اصلی ترین ابزار حاکمیت برای کنترل حسینیان طی این دوره، مماشات و بهره گیری از روش هایی چون تطمیع است.

با روی کار آمدن منصور عباسی، زیرکی، اقتدار طلبی و موقعیت شناسی او جایگزین حلم و احتیاط سفاح گشت. اگرچه او وارث حکومتی بود که تا حد زیادی شاکله اصلی خود را به دست آورده بود، با این حال، آگاهی بر تحرکات حسینیان و احتمال خروج محمد بن عبدالله آرامش او را نیز همچون برادرش سفاح سلب کرده بود. بنابراین، با شیوه ای متفاوت؛ دستیابی به محمد و ابراهیم، ممانعت از قیام آنان و رهایی از طوق بیعت حسینیان در راس برنامه های او قرار گرفت. او در ابتدای کار یکایک بنی هاشم را فراخواند و درباره قصد و نیت فرزندان عبدالله محض، در خلوت از ایشان پرس و جو کرد. بیشتر آنان با ذکر این مطلب که چون «... از ایام پیشین وی را به طلب این کار شناخته ای، از تو برخویشتن بیم دارد، اما آهنگ مخالفت تو ندارد و خواستار نافرمانی تو نیست.» (طبری، [بی تا]: ۵۱۸؛ اصفهانی، [بی تا]: الف: ۱۲۳؛ اصفهانی [بی تا]: ب: ۲۰۰-۲۰۱؛ ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۵۱۴) مخفی شدن محمد را امری بی اهمیت جلوه دادند، اما سخنان حسن بن زید بن حسن مبنی بر اینکه «او از مخالفت تو خواب ندارد، در کار خویش بیندیش»

انجام حرکتی مستقل از سوی علویان مطمئن شدند و با رهبری دعوت عباسی در زمانی کوتاه آن را به ثمر رسانده، بر کرسی خلافت تکیه زدند. این در حالی بود که دو خلیفه اول عباسی بیعت محمد بن عبدالله را برگردن داشتند (طبری، [بی تا]: ۵۱۷؛ اصفهانی، [بی تا]: ب: ۲۲۳؛ مسکویه، ۱۳۷۹: ۳۷۹؛ شیخ مفید، [بی تا]: ۱۹۰-۱۹۳؛ ازدی، ۱۹۶۷: ۱۹۰؛ مجهول المؤلف، [بی تا]: ۲۳۱ و ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۰۴).

در دوران کوتاه خلافت سفاح، اگرچه محمد و ابراهیم، فرزندان عبدالله محض، از انظار عمومی پنهان شدند و با خلیفه وقت بیعت نکردند، اما لزوم تثبیت پایه های حکومت عباسی، هیبت، جاهت اجتماعی و مشروعیت سیاسی حسینیان، نه تنها مانع از هرگونه حرکت جدی سفاح در مقابل حسینیان گردید، بلکه باعث شد تا او رفتاری توأم با عطف و بخشش نسبت به آنان در پیش گیرد و بکوشد تا با جلب نظر عبدالله محض (که در میان حسینیان از شیخوخت برخوردار بود) و اطرافیان او، از قیام احتمالی محمد و ابراهیم جلوگیری کند. دعوت بزرگان حسنی به انبار برای بیعت با خلیفه، مهمترین اقدام ابوالعباس بود (ابن عساکر، ۲۰۰۱: ۲۳۵ و مجهول المؤلف، [بی تا]: ۲۳۲). اقطاعات، عطایا و بخشش به حسینیان (نک: ابن سعد، ۱۳۷۹: ۱۸۳؛ ابن شبه، ۱۳۸۰: ۲۱۹-۲۲۰؛ بلاذری، ۲۰۰۰: ۸۲ و ابن ابی الحدید، ۱۳۷۲: ۹۶)، پرسش های گاه و بیگاه سفاح از عبدالله محض در خصوص فرزندان او و متهم نمودن او به ممانعت از حضور آنان در انبار (یعقوبی، ۱۹۶۰: ۳۶۰)، رضایت او به بیعت محمد و ابراهیم از مدینه با خلیفه (مجهول المؤلف، [بی تا]: ۲۳۲)، آگاه سازی عبدالله از دستیابی به نامه های دعوت به سوی محمد (اصفهانی، [بی تا]:

محض (طبری، [بی تا]: ۵۱۹؛ اصفهانی، [بی تا]: ب: ۲۰۲-۲۰۳؛ ابن عبدربه، ۱۴۱۹: ۷۷-۷۸) و خبرگیری از شرایط مدینه و کسب اطلاع از محمد و ابراهیم توسط امیران حج (طبری، [بی تا]: ۵۲۰-۵۲۱) در کنار دقت در انتخاب عاملان مدینه، سختگیری برآنان و تغییر آنها در صورت عدم دستیابی به فرزندان عبدالله محض (طبری، [بی تا]: ۵۳۱-۵۳۲؛ مجهول المؤلف، [بی تا]: ۲۳۳-۲۳۴) مجموعه کوشش‌های وسیع منصور عباسی برای نیل به مقصود بود. از این میان، تنها جاسوسان منصور بودند که در نهایت او را از محل اختفای محمد، اهداف و شرایط او آگاه کردند و شواهد قطعی از سیاست گذاری و برنامه ریزی این حرکت توسط عبدالله محض در اختیار او قرار دادند (اصفهانی، [بی تا]: ب: ۲۰۲-۲۰۳).

آگاهی از این امر باعث شد تا منصور در بازگشت از حج سال ۱۴۰ هـ.ق. عبدالله محض را دستگیر و در مدینه زندانی کند (۸) و بکوشد تا از این طریق فرزندان او را وادار به تسلیم نماید. این تدبیر اگرچه تا حدی موثر بود و محمد بن عبدالله به صورت مستقیم و غیر مستقیم از پدر اذن ظهور و تسلیم را خواست (یعقوبی، ۱۹۶۰: ۳۷۰ و اصفهانی، [بی تا]: ب: ۲۱۲)، اما شناخت عبدالله محض از منصور، سهل گیری زیاد بن عبدالله حارثی (۹) بر عبدالله محض و امکان مرارده و رهبری حرکت فرزندان او از داخل زندان (۱۰)، باعث شد تا محبوس شدن عبدالله بن حسن در خانه مروان (بلاذری، ۲۰۰۰م: ۸۵ و مجهول المؤلف، [بی تا]: ۲۳۴) تاثیر چندانی بر عملکرد محمد نفس زکیه نگذارد. از طرفی، تمایل زیاد بن عبدالله به بیعت با محمد- که در نهایت نیز این امر، خلع او را از امارت مدینه به همراه داشت- (مجهول المؤلف، [بی تا]: ۲۳۴ و ابن اثیر، ۱۹۷۹

(طبری، [بی تا]: ۵۱۸؛ اصفهانی، [بی تا]: الف: ۱۲۳) گفته‌های سایرین را تحت الشعاع قرارداد و منصور را بیش از پیش برای دستیابی به ایشان مصمم گردانید و بر سختگیری و دقت نظر او در برخورد با حسنین افزود. از نظر او دیگر استراتژی سفاح و بذل و بخشش به حسنین کارساز نبود، از این رو، دوباره فدک (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۲ هـ: ۹۶) و بغیبات (۶) را در اختیار گرفت (ابن شبه، ۱۳۸۰ ش: ۲۱۹-۲۲۰). در این جهت گیری جدید، او از موضع یک خلیفه با حسنین و بخصوص عبدالله محض رابطه برقرار می کرد. دوران خویشاوندی و تکریم‌های ظاهری به پایان رسیده بود. او با تمسخر و ریشخند عبدالله محض را ابوقحافه خطاب می کرد (۷) (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۲: ۶۰) و به روش‌های مختلف می کوشید تا با کسب اطلاع از وضعیت محمد نفس زکیه، ترغیب او به تسلیم شدن و یا دستیابی به او از قیامش جلوگیری کند.

فرستادن عطایایی برای اهل مدینه و تاکید به عامل مدینه برای پرداخت سهم هر فرد به خودش- برای آگاهی از وضعیت محمد و ابراهیم- (ابن عبدربه، ۱۴۱۹: ۷۵)، نامه نگاری با عبدالله محض و خبر گرفتن از فرزندان او (ابن عبدربه، ۱۴۱۹: ۷۵)، گماردن نگهبانانی برای مراقبت دائمی از عبدالله (ابن عبدربه، ۱۴۱۹: ۷۵-۷۶) باز پس فرستادن نامه‌های دعوتی که از افراد گسیل شده به سوی مردم خراسان به دست آورده بود، با نرم خویی به سوی عبدالله (ابن عبدربه، ۱۴۱۹: ۷۵-۷۶)، سعی در اغفال و تطمیع عبدالله بن حسن با وعده امان، مال و مقام در صورت تسلیم شدن فرزندان او (ابن عبدربه، ۱۴۱۹: ۷۵-۷۷ و ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۵۱۴)، استفاده گسترده و متنوع از جاسوسان برای آگاهی از برنامه‌ها و زمان قیام احتمالی فرزندان عبدالله

جوزی، ۱۴۰۱: ۱۹۷-۱۹۸) و نیز عبدالرحمن بن ابی الموالی (۱۳) (ابن سعد، ۱۳۷۹: ۱۸۴؛ طبری، [بی-تا]: ۵۵۰-۵۵۱) به ریزه منتقل کند، چراکه او پیش از حج و در هنگام عبور از مدینه از آخرین تدبیر خود؛ یعنی فرستادن مالک بن انس نزد عبدالله و درخواست تسلیم کردن فرزندانش نیز نتیجه‌ای نگرفته بود (ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۵۲۳-۵۲۴).

رفتار منصور با حسینان در ریزه و شکنجه محمد بن عبدالله عثمانی (یعقوبی، ۱۹۶۰: ۳۷۴) به خوبی نمایانگر خشم منصور و پایان تحمل او از برخورد مسالمت آمیز با حسینان بود. منصور آنان را در شرایطی سخت به هاشمیه انتقال داده (طبری، [بی تا]: ۵۴۲-۵۴۳ و اصفهانی، [بی تا]: ب: ۲۱۱-۲۱۲)، در زیرزمین قصر ابن هبیره (زندان هاشمیه) (۱۴) زندانی کرد و با این عمل، علاوه بر حذف حامیان جدی حرکت محمد، فشار روانی زیادی را بر او تحمیل نمود. همچنین او با ارسال نامه‌های ساختگی از سوی برخی از سران سپاهش و یا اهالی فارس برای محمد، باعث شد تا محمد بن عبدالله به وعده‌های دروغین دل بسته، قیامش را بر اساس این وعده‌ها برنامه ریزی کند (طبری، ۱۹۴۹: ۱۶۳-۱۶۴ و ۱۸۹). تمامی این امور حاکی از سیاست جدید منصور در قبال محمد و کوشش برای تحمیل قیامی شتاب زده، بی برنامه و پیش از موعد بر او بود. در واقع، این گروگان گیری سیاسی، آخرین حلقه از مجموع اقداماتی بود که منصور به قصد رخنه در مدیریت سیاسی-نظامی سادات حسنی انجام داد. محمد و دیگر سادات حسنی توانسته بودند با استفاده از همه ابزارهایی که در اختیار داشتند، بیش از پانزده سال این مخالفت تمام عیار را مدیریت کنند. طی این مدت نسبتاً طولانی، سفاح و

(۵۱۸-۵۱۹) روند دستیابی منصور به محمد را کندتر کرد. تغییر حاکمان مدینه و روی کار آمدن ریاح بن عثمان (۱۱) نیز نتیجه ای در بر نداشت (طبری، [بی تا]: ۵۳۱) و سختگیری او بر عبدالله محض و فشار برای شناسایی محل اختفای محمد تنها باعث شد تا محمد و ابراهیم برای مدتی از مدینه فاصله بگیرند (طبری، [بی تا]: ۵۲۲). شاید بتوان مکاتبات منصور با محمد نفس زکیه و وعده و وعیدهای او به محمد (طبری، [بی تا]: ۵۶۶-۵۷۱) را از آخرین کوشش های منصور برای دستیابی به فرزندان عبدالله محض و خودداری از رویارویی مستقیم با حسینان دانست.

اسارت حسینان

به نظر می‌رسد که ناامیدی منصور از دستیابی به محمد و ابراهیم و باور این امر که دستگیر شدن عبدالله محض، خلانی جدی در ادامه حرکت آنان ایجاد نکرده است، باعث شد تا او سیاست سخت گیرانه تری را در پیش گیرد (لیثی، ۱۳۸۴: ۲۱۵). پیشنهاد عبدالعزیز بن سعید (خبرگیر و عامل زکات منصور) مبنی بر زندانی کردن حسینان هماهنگ با این جهت گیری جدید بود. او به منصور گفت: «ای امیرمومنان، آیا انتظار داری محمد و ابراهیم به دست تو افتند، در صورتی که فرزندان حسن آزادند؟! به خدا هر کدامشان در دل مردم از شیر پرمهابت تر هستند» (طبری، [بی تا]: ۵۳۶-۵۳۷). بنابراین، او در بازگشت از حج، در سال ۱۴۴هـ. ریاح را به ریزه فراخواند و از او خواست تا بنی الحسن را که پیش از حج و طی نامه ای دستور دستگیری آنان را صادر کرده بود (اصفهانی، [بی تا]: ب: ۲۰۸) به همراه محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان، برادر مادری عبدالله محض (۱۲) (ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۵۲۴) و ابن

منصور نتوانستند با استفاده از روشهای معمول - که طبعاً آسیب کمتری هم داشت - این تحرکات را کنترل کنند. آخرین تدبیر ایجاد اختلال در مدیریت جریان مخالف بود؛ که این مهم با وادار کردن محمد به اتخاذ تصمیمات عاطفی، شتابزده و غیر عقلانی انجام شد. زندانی کردن سادات حسنی در زندان هاشمیه معلول برنامه ریزی حاکمیت برای دستیابی به چنین هدفی بود.

شناسایی زندانیان

در مورد نام و تعداد حسنیان و افرادی که به همراه آنان و به دستور منصور دستگیر شده‌اند، اختلاف نظر زیادی وجود دارد. منابع مختلف نام تعداد زیادی از حسنیان را آورده‌اند. در میان این اسامی، نام بعضی از اشخاص به اشتباه آمده و یا به افرادی اشاره شده است که علمای انساب به چنین افرادی در اعقاب حسنیان اشاره نکرده‌اند.

اسامی افرادی که احتمالاً توسط ریاخ بازداشت شده و به همراه عبدالله محض به ریزه منتقل شده‌اند، بنابر گزارش منابع متقدم به شرح زیر است: (ابن سعد، ۱۳۷۹: ۱۸۴؛ ابن قتیبه، ۱۹۶۷: ۴۵۰؛ طبری، [بی‌نا]: ۵۳۷-۵۷۴؛ مسعودی، [بی‌تا]: ۲۹۸؛ ابن جوزی، ۱۴۰۱: ۱۹۷؛ به نقل از کتاب «الاوراق» الصولی و ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۵۲۱-۵۲۲) (۱۵).

۱- حسن بن حسن مثنی (حسن مثلث)

۲- ابراهیم بن حسن مثنی (ابراهیم الغمر) (۱۶)

۳- جعفر بن حسن مثنی

۴- ابوبکر بن حسن مثنی

۵- داوود بن حسن مثنی

۶- علی بن حسن مثلث (علی عابد)

۷- عبدالله بن حسن مثلث

۸- عباس بن حسن مثلث

۹- محمد بن ابراهیم بن حسن مثنی

۱۰- اسحاق بن ابراهیم بن حسن مثنی

۱۱- اسماعیل بن ابراهیم بن حسن مثنی

۱۲- حسن بن جعفر بن حسن مثنی

۱۳- ابوبکر بن جعفر بن حسن مثنی

۱۴- سلیمان بن داوود بن حسن مثنی

۱۵- عبدالله بن داوود بن حسن مثنی

۱۶- علی بن داوود بن حسن مثنی

۱۷- عباس بن داوود بن حسن مثنی

۱۸- داوود بن داوود بن حسن مثنی

۱۹- موسی بن عبدالله بن حسن مثنی

۲۰- علی بن محمد بن عبدالله بن حسن مثنی

۲۱- محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان، برادر

مادری عبدالله محض

۲۲- عبدالرحمن بن ابی موالی (از یاران نفس زکیه)

۲۳ و ۲۴- دو فرزند محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان.

علاوه براینکه حضور تمامی این افراد در زندان و

در کنار عبدالله محض نیاز به بررسی دارد، ذکر دو

نکته لازم است: اول آنکه سادات حسنی این فهرست

تنها از نسل حسن مثنی و وابستگان محمد بن عبدالله

هستند، چراکه اعقاب زید بن حسن اگر چه در مدینه

حضور داشتند، اما بیشتر آنان از منصور عباسی حمایت

می کردند (۱۷). دیگر آنکه دستگیری افراد مذکور نیز

در یک زمان صورت نگرفته است؛ مثلاً به گزارش

طبری پس از دستگیری حسنیان، علی عابد [علی بن

حسن بن حسن بن حسن] که جزو دستگیر شدگان

نمود، نزد ریاخ آمد و گفت: «آمده‌ام تا مرا نیز با کسانم

زندانی کنی» و ریاخ با گفتن این که: «به خدا

آنها را به عنوان زندانیان و سپس آزادشدگان از زندان هاشمیه آورده‌اند (اصفهانی، [بی تا]، ب: ۱۸۵). طبری ([بی تا]: ۱۶۳) و ابن اثیر (۱۹۷۹: ۲۳۰) در اخبار سال ۱۲۱ق به این نکته اشاره کرده‌اند که در اختلاف میان آل علی (ع) بر سر موقوفات او، زید بن علی از طرف بنی الحسین و جعفر بن حسن مثنی از سوی بنی الحسن اقامه دعوی می‌کردند و پس از مرگ جعفر بن حسن مثنی، عبدالله محض این مسؤولیت را بر عهده گرفت. آنان مرگ جعفر بن حسن مثنی را در سال ۱۲۱ق و یا پیش از آن می‌دانند، اما با توجه به اینکه حسن مثنی (پدر جعفر) در سال ۹۷ ه‍.ق. فوت کرد (ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۰۰-۱۰۱؛ یحیی بن طبا طباطبائی (م ۴۸۷) وفات حسن مثنی را بین سالهای ۹۰-۹۶ ه‍.جری می‌داند (نک به: ۱۹۹۷: ۵۴). که در زمان مرگ ۵۳ سال داشته است (شیخ مفید، [بی تا]: ۱۹۷) و با در نظر گرفتن اینکه سن جعفر را در زمان مرگ ۷۰ سال دانسته‌اند (ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۸۴)، ناگزیریم بپذیریم که مرگ جعفر بن حسن در سال ۱۲۱ ه‍. نبوده و همان قول فوت او پس از سال ۱۴۵ ه‍. صحیح تر است. احتمالا او نیز به همراه پسرش - مشابه دیگر برادران- جزو زندانیان بوده است.

کتاب «تذکره الخواص» (ابن جوزی، ۱۴۰۱: ۱۹۷) نیز تنها منبعی است که نام سلیمان، عبدالله، علی و عباس را به عنوان فرزندان داوود بن حسن مثنی که در زندان هاشمیه محبوس بودند، آورده است. در «تاریخ طبری» نیز علاوه بر نام سلیمان، به نام داوود بن داوود بن حسن مثنی، به عنوان کسانی که توسط ریاح دستگیر شده‌اند، اشاره شده است (طبری، [بی تا]: ۵۳۷)، اما در کتاب المجدی تنها نام عبدالله و سلیمان به عنوان فرزندان داوود بن حسن مثنی آورده شده

امیرالمؤمنان این را برای تو منظور خواهد داشت»، او را نیز به زندان انداخت (طبری، [بی تا]: ۵۳۸ و اصفهانی، [بی تا]، ب: ۱۸۷)، علی بن محمد بن عبدالله محض نیز از آن جمله است. او که از سوی پدر و برای دعوت و تبلیغ به مصر رفته بود، توسط والی مصر دستگیر و به نزد منصور فرستاده شد. منصور پس از اعتراف گرفتن از او درباره همدستان پدرش، او را نیز بازداشت کرد (طبری، [بی تا]: ۵۳۷-۵۳۸ و ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۵۲۲). بنابراین، اگر چه این نام در فهرست اسامی زندانیان آمده است، اما او جزو کسانی نیست که توسط ریاح و در مدینه دستگیر شده باشد. بنابراین، می‌توان دریافت که تعیین فهرست قطعی تر اسامی حسینیانی که توسط ریاح دستگیر شدند، منوط به بررسی دقیق زندگی آنهاست.

با مراجعه به کتب انسب و تراجم و نیز بررسی برخی از متون تاریخی، می‌توان ملاحظه کرد که در میان منابع دست اول بررسی شده، نام «داوود بن حسن مثنی» در شمار افراد دستگیر شده نیست، اما در دو کتاب «فصول الفخریه» (ابن عنبه، ۱۳۴۷: ۱۳۱) و «سر سلسله علویه» (بخاری، ۱۹۶۲: ۷)، به تعلیم دعایی توسط جعفر بن محمد (ع) به مادر داوود (که به دعای «ام داوود» مشهور گردید) برای آزادی او اشاره شده و نام او جزو آزادشدگان زندان هاشمیه آمده است. ابوالفرج (م ۳۵۶) نیز بدون هیچ توضیحی به نام او در فهرست افراد آزاد شده از زندان اشاره کرده است. بنابراین، می‌توان این نام را در فهرست محبوسین باقی گذاشت (اصفهانی، [بی تا]، ب: ۱۸۵).

تعدادی از منابع نام «جعفر بن حسن مثنی» (ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۸۴)، تعدادی نام «حسن بن جعفر بن حسن مثنی» (مسعودی، [بی تا]: ۲۹۹) و برخی نام هر دو

در مجموعه «اربع مخطوطات» نیز تکرار می‌شود (حسنی، ۱۹۹۷: ۶۳-۶۴). بنابراین، می‌توان این نام را نیز از فهرست زندانیان زندان هاشمیه حذف کرد. همچنین می‌توان از این مجموعه نام دو فرزند محمد بن عبدالله عثمانی را نیز که تنها طبری اشاره‌ای گذرا به آنها کرده است (طبری، [بی تا]: ۵۴۷) حذف کرد، چرا که نام آنها در هیچ منبعی به عنوان افراد دستگیر شده، محبوس در زندان و یا آزاد شده از هاشمیه نیامده است.

عبدالرحمن بن ابی الموالی نیز از حسیان نیست و دستگیری او احتمالاً به دلیل آن است که او از حامیان اصلی نفس زکیه بوده است (طبری، [بی تا]: ۵۳۷-۵۳۸). نام او مستقیماً در منابع نیامده است، اما با توجه به اینکه یکی از شاهدان مستقیم و راویان بی واسطه واقعه (۲۰۷م) در روایت از زندانیان و شرایط زندان هاشمیه است (ابن سعد، ۱۳۷۹: ۱۸۴) و ابوالفرج نیز به حضور او در زندان اشاره کرده است (اصفهانی، [بی تا]: ۱۹۲) بنابراین، می‌توان نام او را در این فهرست باقی گذاشت؛ هرچند طبری علاوه بر تکرار روایت ابن سعد، (طبری، [بی تا]: ۵۵۰-۵۵۱) ضمن روایتی به زندانی شدن او پس از دستگیری علی بن محمد در مصر و اعترافش به نام برخی از یاران پدرش اشاره کرده است (طبری، [بی تا]: ۵۳۷-۵۳۸).

دستگیری محمد بن عبدالله عثمانی، برادر مادری عبدالله محض و پدر همسر ابراهیم بن عبدالله، را نیز می‌توان به منظور آگاهی از محل اختفای مخفی شدگان (اصفهانی، [بی تا]: ۲۱۰-۲۱۱)، ممانعت از بیعت شامیان با نفس زکیه به واسطه او (طبری، [بی تا]: ۵۴۲-۵۴۳) و افزایش فشار بر محمد و ابراهیم دانست.

است (العمری، ۱۴۰۹: ۸۹). در مجموعه «اربع مخطوطات» (کتاب انباء امام فی مصر و شام) نیز همین اسامی تکرار می‌شود (حسنی، ۱۹۹۷: ۶۴). با توجه به اینکه مسعودی (مسعودی، [بی تا]: ۲۹۹) و ابوالفرج اصفهانی (اصفهانی، [بی تا]: ۱۸۵) تنها عبدالله بن داوود و سلیمان بن داوود را جزو آزادشدگان از زندان هاشمیه آورده‌اند، و تنها نام این افراد در اکثر کتب انساب تکرار شده است، احتمالاً سه نام دیگر سهواً و به دلیل تشابه با اسامی فرزندان حسن مثلث در فهرست اضافه شده‌اند.

ابن قتیبه در «المعارف» ([بی تا]: ۴۵) و ابن جوزی «تذکره الخواص» (۱۴۰۱: ۱۹۷) نام ابوبکر بن حسن مثنی را جزو زندانیان زندان هاشمیه آورده‌اند، اما طبری ضمن روایت از محمد بن علی بن حمزه علوی که نام ابوبکر بن حسن بن حسن را در عداد کشته شدگان زندان هاشمیه آورده است، اذعان می‌کند که این سخن را از دیگری جز او نشنیده است. وی در صحت انتساب ابوبکر به حسن مثنی نیز تردید کرده، می‌گوید: «هیچ یک از دانشمندان علم انساب فرزندی که کنیه‌اش ابوبکر باشد، در زمره فرزندان حسن بن حسن ذکر نکرده‌اند» (طبری، [بی تا]: ۱۸۵). بررسی کتب انساب نیز گفته طبری را تأیید می‌کند. بنابراین، می‌توان نام فوق را از فهرست افراد زندانی شده خط زد.

به نام ابوبکر بن جعفر بن حسن مثنی نیز تنها در کتاب «مروج الذهب» (مسعودی، [بی تا]: ۲۹۸-۲۹۹) اشاره شده، اما در سایر کتب به نام او اشاره‌ای نشده است؛ ضمن آنکه در کتاب «سر سلسله علویه» (بخاری، ۱۹۶۲: ۱۹) نامهای حسن، ابراهیم و محمد به عنوان فرزندان جعفر بن حسن مثنی ذکر شده و در کتاب «المجدی» نیز نامهای عبدالله، قاسم، ابراهیم و حسن ذکر شده است (العمری، ۱۴۰۹: ۸۲). همین نامها

۱۷- محمد بن عبدالله بن عمر عثمانی

۱۸- عبدالرحمن بن ابی الموالی

حسینان در زندان هاشمیه

محبس سادات حسنی زیر زمین قصر ابن هبیره بود که روزنی به بیرون نداشت. مسعودی می‌نویسد: «محبس آنها به ساحل فرات، نزدیک تل کوفه بود. اکنون (سال ۳۰۲ق)، محل آنها در کوفه زیارتگاه کسان است، که همان زیر زمین را بر سر آنها خراب کردند» (مسعودی، [بی تا]: ۲۹۹).

علی بن حسن مثلث که از برترین مردم روزگار خویش در زهد و عبادت و پارسایی بود، (ابن سعد، ۱۳۷۹: ۱۸۶) برای تعیین وقت نماز در زندان، قرآن را پنج قسمت کرده بود و چون یک قسمت آن به پایان می‌رسید، یکی از نمازها را به پا می‌داشتند (طبری، [بی تا]: ۵۴۹؛ اصفهانی، [بی تا]: ۱۸۷؛ مسعودی، [بی تا]: ۲۹۹).

آنان که از زندان رهایی یافتند، نقل کرده‌اند با آنکه گشادی حلقه زنجیرها که به پایشان بسته بودند، به آنان این امکان را می‌داد که در زمان خواب یا نماز خواندن، آنها را از پای خود درآورند و تنها در زمان حضور نگهبان، دست و پای خود را در زنجیر گذارند، اما علی عابد هیچ‌گاه چنین نمی‌کرد و چون عمویش، عبدالله دلیل این امر را از او جویا شد، پاسخ داد: «نه به خدا سوگند، این زنجیر را بر نخواهم داشت تا با همین زنجیرها من و منصور در پیشگاه خداوند درآییم و خداوند از او بپرسد که آخر به چه جرمی مرا به این زنجیر بسته است؟» (اصفهانی، [بی تا]: ۱۸۸). او در میان مناجات‌هایش از خدا می‌خواست که اگر این گرفتاری به خاطر خشم اوست، شرایط را بر ایشان

آخرین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار داد نیز آن است که با آنکه نام «موسی بن عبدالله محض» جزو زندانیان آمده و این فرد در شمار افرادی است که ریاح آنان را دستگیر نموده است، اما او پس از وقفه‌ای به سایر حسینیان در زندان هاشمیه پیوست. در واقع، منصور او را پس از شکنجه و تهدید، در ربذه آزاد کرد تا به دنبال برادرانش رفته، رفتار منصور با حسینیان را به آنها اطلاع دهد و ایشان را به تسلیم شدن فرا خواند (ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۱۲). چون ریاح گزارش داد که حضور او در مدینه فایده‌ای ندارد، منصور از ریاح خواست موسی را به نزد او بفرستد (طبری، [بی تا]: ۵۴۳-۵۴۴).

با این توضیحات، می‌توان فهرست اسامی زندانیان هاشمیه را به صورت زیر مرتب کرد:

- ۱- عبدالله بن حسن مثنی (عبدالله محض)
- ۲- حسن بن حسن مثنی (حسن مثلث)
- ۳- ابراهیم بن حسن مثنی (ابراهیم الغمر)
- ۴- جعفر بن حسن مثنی
- ۵- داوود بن حسن مثنی
- ۶- عبدالله بن حسن مثلث
- ۷- عباس بن حسن مثلث
- ۸- علی بن حسن مثلث (علی عابد)
- ۹- اسحاق بن ابراهیم بن حسن مثنی
- ۱۰- اسماعیل بن ابراهیم بن حسن مثنی
- ۱۱- محمد بن ابراهیم بن حسن مثنی
- ۱۲- سلیمان بن داوود بن حسن مثنی
- ۱۳- عبدالله بن داوود بن حسن مثنی
- ۱۴- حسن بن جعفر بن حسن مثنی
- ۱۵- علی بن محمد بن عبدالله بن حسن مثنی
- ۱۶- موسی بن عبدالله محض

به تدریج پاهای آنان ورم می‌کرد. این ورم بالا می‌رفت تا به قلب می‌رسید و باعث مرگ آنها می‌شد (مسعودی، [بی تا]: ۲۹۹).

هر وقت که یکی از آنان از دنیا می‌رفت، جنازه‌اش همچنان در زیر غل و زنجیر بود تا موقعی که بو می‌گرفت و می‌پوسید. افرادی که زنده بودند، آن جنازه را در آن وضع می‌دیدند و از این منظره رقت‌آور رنج فراوان می‌بردند (ابن جوزی، ۱۴۰۱: ۱۹۹). منصور باور نمی‌کرد که بنی‌الحسن این شرایط را تحمل کرده، لب به سخن نکشایند. او همچنان در تعقیب محمد و ابراهیم بود و هرگاه از این جستجو خسته و ناامید می‌شد، خشم خود را متوجه زندانیان می‌کرد. این آتش خشم محمد بن ابراهیم بن حسن مثنی «دیباچ اصغر» را نیز در بر گرفت. منصور محمد را فراخواند و چون او را دید، گفت: «به خدا سوگند، به وضعی تو را بکشم که هیچ یک از خاندانت را آن چنان نکشته باشم. سپس دستور داد چرزی را شکافتند و محمد را زنده زنده در وسط آن گذارد، سپس آن را مرمت کردند» (طبری، [بی تا]: ۵۴۶ و اصفهانی، [بی تا]: ۱۹۳).

در ضمن کوشش‌های منصور برای دستیابی به محمد بن عبدالله، نفس زکیه فرزندان خود را به گوشه و کنار سرزمینهای تحت سلطه او می‌فرستاد و مردم را به قیام فرا می‌خواند (نک به: مسعودی، [بی تا]: ۲۹۶). انتظار قیام و ظهور محمد بن عبدالله در خراسان، باعث برهم خوردن ثبات این منطقه شده بود. منصور برای آرام کردن مردم خراسان دستور داد تا محمد بن عبدالله عثمانی را به جای محمد بن عبدالله محض کشتند و سرش را به خراسان فرستاد. منصور به همراه این سر، افرادی را فرستاد که سوگند یاد کنند که این سر محمد بن عبدالله است و مادرش فاطمه، دختر پیغمبر

سخت‌تر گرداند (اصفهانی، [بی تا]: ۱۸۸). همچنین در پاسخ به عبدالله محض که از سختی شرایط به تنگ آمده و از او خواسته بود تا برای رهایی از این تنگنا دعا کند، این گونه گفته بود که: «عمو جان، ما را در بهشت مقامی است که بدان نخواهیم رسید، جز به تحمل این بلاها یا سخت‌تر از اینها و منصور نیز در دوزخ جایگاهی دارد که بدان نخواهد رسید، جز با اینکه این شکنجه‌ها و یا سخت‌تر از این را به ما بدهد! اینک اگر مایلی بردباری کن تا این اندک نیز بگذرد و از این جهان برویم و از این غم آسوده گردیم و پس از مردن مانند آن است که هیچ غم و بلایی در کار نبوده و اگر می‌خواهی به درگاه خدای عزوجل دعا کنیم تا تو را از این اندوه برهاند و در نتیجه از عذاب منصور نیز کاسته شود. عبدالله (فکری کرده) گفت: نه، این را نمی‌خواهم و با این وصف بردباری و شکیبایی می‌کنم» (اصفهانی، [بی تا]: ۱۸۹).

شکیبایی و امید به رهایی، اگر چه عبدالله محض و همراهانش را از افشای محل اختفای محمد و ابراهیم باز می‌داشت، اما طبق روایات، سختگیری زندانبان بر زندانیان نیز سختی شرایط زندان را دو چندان می‌کرد. ابوالفرج به شکسته شدن دندان‌های پیشین عبدالله محض بر اثر لگد زدن ابوالزهر زندانبان به کوزه آب سردی که یکی از اطرافیان منصور برای عبدالله فرستاده و او در حال نوشیدنش بود، اشاره کرده است (اصفهانی، [بی تا]: ۲۱۵). آنان همچنین مجاز نبودند برای قضای حاجت از زندان خارج شوند و کار تطهیر و وضوی آنها در همانجا بود. از عفونت به رنج افتاده بودند و بر آنان سخت می‌گذشت. یکی از دوستان و موالی آنها مقداری مشک نزد آنها برد تا بوی عفونت دفع گردد. بر اثر عفونت و گرفتاری در غل و زنجیر،

۲- عبدالله محض (۱۴۵-۷۰) x (اصفهانی، بی تا، ب: ۱۸۳)؛

۳- ابراهیم الغمر (۱۴۵-۷۸ یا ۷۶) x (اصفهانی، بی تا، ب: ۱۸۵ و ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۶۱)؛

۴- علی عابد (۱۴۵-۱۰۱) x (اصفهانی، بی تا، ب: ۱۹۰)؛

۵- عباس بن حسن مثلث (۱۴۵-۱۱۵) x (اصفهانی، بی تا، ب: ۱۹۲)؛

۶- عبدالله بن حسن مثلث (۱۴۵-۹۹) x (اصفهانی، بی تا، ب: ۱۹۰)؛

۷- محمد بن عبدالله عثمانی (۱۴۵-....) (اصفهانی، بی تا، ب: ۲۱۵)؛

۸- محمد بن ابراهیم الغمر (۱۴۵-....) (اصفهانی، بی تا، ب: ۱۹۴)؛

۹- علی بن محمد بن عبدالله محض (۱۴۵-....) (اصفهانی، بی تا، ب: ۱۹۴)؛ (ابن سعد، ۱۳۷۹: ۱۸۵-۱۸۶؛ اصفهانی، بی تا، ب: ۱۸۵؛ طبری، بی تا: ۵۴۵؛ ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۵۲۷-۵۲۶، و مجهول المؤلف، بی تا: ۲۳۵)

از میان اسامی فوق تنها طبری از نام عباس بن حسن مثلث و برادرش عبدالله سخن به میان آورده است (اصفهانی، همان: ۱۹۱-۱۹۲). ابن فندق (م ۵۶۵) نیز در «لباب الانساب» (ابن فندق، ۱۴۱۰: ۴۰۸) و علی بن الغنایم العمری در کتاب «المجدی» (العمری، ۱۴۰۹: ۶۶) در خصوص مرگ این افراد در زندان هاشمیه مطالبی آورده‌اند. (۱۹) بنابراین، می‌توان این افراد را نیز به طور قطع در فهرست کشته‌شدگان زندان هاشمیه قرار داد؛ هر چند که در خصوص آنان کمتر سخن به میان آمده است.

خداست. چون خیر مرگ محمد عثمانی به گوش عبدالله رسید، او گفت: «انا لله و انا اليه راجعون» ما به واسطه او در زمان بنی‌امیه آسوده و در امان بودیم. او به واسطه ما و در زمان قدرت و تسلط ما (هاشمیان که عموزاده او بودند) باید کشته شود (ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۵۲۵ و نیز نک: ابن سعد، ۱۳۷۹: ۱۸۶؛ طبری، بی تا: ۵۴۸-۵۵۱، اصفهانی، بی تا، ب: ۲۱۵ و مجهول المؤلف، بی تا: ۲۳۷). مرور سختگیری منصور برحسینان در زندان هاشمیه و ادامه کوشش‌های او برای دستیابی به فرزندان عبدالله محض و مکاتبه از سوی سپاهیان و اهالی فارس برای همراهی با محمد (طبری، ۱۹۴۹: ۱۶۳-۱۶۴) حاکی از آن است که منصور قیام محمد بن عبدالله محض را تهدیدی جدی برای خلافت خود می‌دانست و از این رو، برای دستیابی به او از هیچ عملی رویگردان نبود.

سرانجام زندانیان هاشمیه

شرایط سخت زندان هاشمیه، باعث مرگ گروهی از سادات حسنی در زندان شد. با این حال، حتی شهادت و خروج ناکام فرزندان عبدالله محض در مدینه و بصره (۱۸) نیز آتش خشم منصور عباسی نسبت به حسینان را خاموش نکرد و گروهی دیگر از زندانیان هاشمیه را نیز به کام مرگ کشید. اگرچه روایات منابع دست اول در خصوص زندانیان و سرانجام آنان مغشوش است، اما با کنار هم قرار دادن روایات، می‌توان نام افراد زیر را در فهرست اسامی افراد کشته شده در زندان هاشمیه قرار داد: (مواردی که سال تولد فرد براساس سن او در زمان فوت آمده با علامت x مشخص شده است).

۱- حسن مثلث (۱۴۵-۷۷). (بخاری، ۱۹۶۲: ۶)؛

محمد بن عبدالله عثمانی و محمد بن ابراهیم الغمر در خارج از زندان هاشمیه کشته شدند و هفت نفر باقیمانده - که همه از سادات حسنی بودند - در زندان جان باختند (۲۰).

ترتیب مرگ حسنیان در زندان هاشمیه، روایاتی بسیار متناقض دارد، اما با استنتاج از دیگر روایات مرتبط با این موضوع می‌توان به ترتیبی احتمالی دست یافت، چراکه تعدادی از مؤلفان نام عبدالله محض (ابن سعد، ۱۳۷۹: ۱۸۵) و تعدادی از آنها ابراهیم الغمر را به عنوان اولین قربانی زندان هاشمیه آورده‌اند (ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۱۱۲ و ابن فندق، ۱۴۱۰: ۲۸۶) و طبری نیز به نام هر دو این افراد در روایات مختلف اشاره کرده است (طبری، [بی تا]: ۵۴۷-۵۵۱). همچنین طبری و اصفهانی آورده‌اند که چون دلیل قیام بشیر رحال را علیه منصور جویا شدند، پاسخ داد هنگامی که منصور عبدالله بن حسن را به زندان افکند، مرا طلید و روزی خانه‌ای را به من نشان داد و گفت تا به درون آن خانه روم، من همین که وارد شدم، جنازه عبدالله بن حسن را مشاهده کردم و چنان بی‌تاب شدم که مدهوش روی زمین افتادم. وقتی به هوش آمدم، با خدا عهد کردم که با نخستین کسی که بر ضد منصور قیام کند، من هم قیام کنم (طبری، [بی تا]: ۵۴۹؛ اصفهانی، [بی تا]: ب: ۲۱۵-۲۱۶).

طوسی نیز در کتاب «رجال» خود ضمن بیان تذکره حسن مثلث، براین امر اشاره می‌کند که «او قبل از برادرش عبدالله مرد» (طوسی، ۱۹۶۱: ۱۱۲) و آخرین نکته آنکه چند منبع در خصوص مرگ عبدالله محض و علی عابد آورده‌اند که پس از آنکه نامه منصور - پس از سرکوبی قیام محمد و ابراهیم - به دست ابوالاظهر رسید، او به داخل زندان رفت و این دو را به هلاکت

در خصوص نحوه مرگ محمد عثمانی نیز روایات متفاوتی آورده شده است، اما همه روایات به مرگ او ضمن حبس در زندان هاشمیه اشاره کرده‌اند. ابن سعد بریده شدن سر او برای فرستادن به خراسان را پس از مرگش در زندان می‌داند (ابن سعد، ۱۳۷۹: ۱۸۶). صاحب کتاب «العیون و الحقائق» کشف نامه ای از محمد بن عثمانی برای محمد نفس زکیه توسط منصور را بهانه قتل او دانسته است (مجهول المؤلف، [بی تا]: ۲۳۶). طبری نقل کرده است که «وقتی محمد بن عبدالله بن حسن قیام کرد، ابوجعفر بگفت تا گردن محمد بن عبدالله عثمانی را زدند و سرش را به خراسان فرستاد و کسان همراه آن فرستاد که به خدا قسم یاد کنند که سر از آن محمد بن عبدالله، پسر فاطمه دختر پیامبر خدا (ص) است» (طبری، [بی تا]: ۵۴۷). سایر منابع، با کمی اختلاف یک مطلب را آورده و نوشته‌اند که چون اوضاع خراسان ناآرام بود، منصور دستور قتل محمد عثمانی را داد و با گرداندن سر او در خراسان و ولایات آن؛ از قیام مردم خراسان جلوگیری کرد (طبری، [بی تا]: ۵۴۷).

علی بن محمد نفس زکیه نیز از کشته شدگان هاشمیه است، چراکه اکثر منابع بررسی شده، به زندانی شدن او توسط منصور اشاره کرده‌اند. عده‌ای اعتراف او را به اتباع و همدستان پدر، نزد والی مصر و عده‌ای نزد منصور می‌دانند، لیکن همگی بر این امر اتفاق دارند که علی بن محمد نفس زکیه نیز در حبس منصور ماند و همانجا مرد. تنها مسعودی (م ۳۶۴) است که پس از اشاره به دستگیری علی بن محمد در مصر، مرگ او را نیز در مصر می‌داند. (طبری، [بی تا]: ۲۹۶). بنابراین، مجموع افرادی که طی دوران حبس در زندان هاشمیه درگذشته‌اند، نه نفرند که از این تعداد دو نفر؛ یعنی

عبدالله محض: ۹- عبدالرحمن ابی الموالی (طبری، [بی تا]: ۵۴۹؛ بخاری، ۱۹۶۲: ۱۳۱؛ اصفهانی، [بی تا]: ب: ۱۸۵؛ سعودی، [بی تا]: ۲۹۹؛ ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۵۲۶-۵۲۷، ابن عنبه، ۱۳۴۷: ۷) (۲۱).

نتیجه

با توجه به بیعت سفاح و منصور در ابواء با محمد نفس زکیه، عباسیان پس از روی کار آمدن، اندیشه‌ای جز دستیابی به او نداشتند و برای رسیدن به این منظور از هیچ اقدامی رویگردان نبودند. این امر باعث شد تا عبدالله محض (بزرگ خاندان حسنی و برنامه ریز و سیاستگذار عملکرد فرزندان) مورد توجه آنان قرار گیرد. دو خلیفه اول عباسی، ابتدا کوشیدند تا با تطمیع عبدالله و نزدیکانش، مقدمات ظهور و تسلیم شدن فرزندان او را فراهم آورند و از هرگونه قیام و زیر سؤال بردن مشروعیت حکومت عباسی جلوگیری کنند، اما با ادامه دعوت مخفیانه حسنیان در دوره منصور، او از تمام امکانات خود برای تسلیم کردن فرزندان عبدالله محض استفاده کرد.

در واقع، با بی نتیجه ماندن تدابیر همراه با مماشات خلفای عباسی در مقابل سادات حسنی، منصور سیاست خود را در قبال آنان تغییر داد. زندانی کردن حسنیان و نزدیکان آنان در زندان هاشمیه، معلول برنامه ریزی حاکمیت برای وارد کردن فشار روانی بر محمد بن عبدالله، حذف حامیان و برنامه ریزان حرکتش و تحمیل قیامی زود هنگام بر او بود. در واقع، این گروگان گیری سیاسی که با هدف ایجاد اختلال در مدیریت جریان مخالف صورت گرفت، آخرین حلقه از مجموعه اقداماتی بود که به منظور رخنه در مدیریت سیاسی- نظامی حسنیان انجام شد. در نهایت نیز این سیاست

رسانید (طبری، [بی تا]: ۵۴۸). بنابراین، می توان گفت با توجه به اینکه در هیچ یک از منابع نام حسن مثلث به عنوان اولین کسی که در زندان هاشمیه مرده است، نیامده و تنها طوسی به مرگ او پیش از عبدالله محض اشاره می کند (طوسی، ۱۹۶۱: ۱۱۲)، مرگ ابراهیم الغمر، قبل از مرگ دو برادر دیگرش بوده است. با در کنار هم قرار دادن روایاتی که به خراب شدن زندان هاشمیه بر سر حسنیان اشاره دارند و مطلبی که مسعودی در خصوص فرستاده شدن سر ابراهیم قتیل باخمیری نزد عبدالله محض می آورد (مسعودی، [بی تا]: ۲۹۹-۳۰۰) و همچنین نامه منصور به ابوالاظهر و مرگ عبدالله محض و علی عابد توسط او، می توان چنین نتیجه گیری کرد که احتمالاً عبدالله محض و علی عابد، آخرین کشته شدگان زندان هاشمیه هستند و پس از رهایی سایر زندانیان، اجساد آنها زیر آوار مانده است. سخن «بشیررحال» در خصوص دیدن جسد عبدالله بن حسن نیز تأییدی بر این سخن است، زیرا همان طور که پیشتر آوردیم، وضعیت حسنیان در زندان هاشمیه به گونه ای بود که چون یکی از آنها می مرد، جسدش را از زندان خارج نمی کردند و همانجا می پوسید و بوی تعفن همه جا را فرا می گرفت. بنابراین، اگر عبدالله محض اولین کسی باشد که در زندان هاشمیه مرده است، دیدن جسد او توسط بشیر رحال امری محال است.

آخرین نکته در خصوص سرانجام زندانیان هاشمیه، اشاره به نام رهایی یافتگان از این زندان است، که با توجه به منابع مورد بررسی این افراد عبارتند از: ۱- سلیمان بن داوود؛ ۲- عبدالله بن داوود؛ ۳- اسحاق بن ابراهیم؛ ۴- اسماعیل بن ابراهیم؛ ۵- جعفر بن حسن؛ ۶- حسن بن جعفر؛ ۷- داوود بن حسن؛ ۸- موسی بن

تا: (۳۵۳). حافظ ابرو نیز در ذیل حمیمه آورده است که در کوه شراه واقع شده، بنو العباس از آنجا بیرون آمدند و به خلافت رفتند. از این قریه تا شویک یک مرحله است (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۳۸۹).

۴- با توجه به قراین موجود و انجام بیعت ابواء، به نظر می‌رسد که بزرگان عباسی پس از موسم حج در مدینه با حسنین دیدار کرده‌اند. (برای اطلاع بیشتر نک: اصفهانی، [بی تا]: ب: ۲۴۱-۲۴۵ و نیز مجهول المؤلف، ۱۹۷۱: ۳۸۵-۳۸۶).

۵- محمد شاکستین فرزندان عبدالله محض است. او فردی عالم، فقیه و شجاع بود (اصفهانی، [بی تا]: ب: ۲۲۲). او را مؤلف کتاب «السير» می‌دانند (هارونی حسنی، ۱۴۲۲: ۵۵-۵۶؛ المحلی، ۱۴۲۳: ۲۷۴ و الوجیه، ۱۴۲۰: ۹۱۸). وجود غرائب فقهی در این کتاب ما را به سوی علو منزلت او راهنمایی کرده، مرتبه عالی او را آشکار می‌سازد (المحلی، همانجا). او را صریح قریش می‌نامند، زیرا ام ولدی در میان مادران او نیست (هارونی حسنی، ۱۴۲۲: ۵۵). همان طور که او را بر اساس حدیثی از پیامبر مهدی لقب داده‌اند (حسنی، ۱۹۹۷: ۵۷-۵۸). با روی کار آمدن عباسیان، محمد که خود را از بنی عباس محق تر برای خلافت می‌دانست، از انتظار عمومی پنهان شد و به تجهیز و ساماندهی یاران خود برای رویارویی با عباسیان پرداخت (الغیری، ۲۰۰۶: ۲۱۱). ابوحنیفه پس از بیعت با محمد، مردم را به خروج با او تشویق کرد. مالک بن انس نیز در حمایت از حرکت او ادعان داشت که بیعت اجباری با ابوجعفر را می‌توان شکست و به خروج با محمد فتوی داد (الغیری، ۲۰۰۶: ۲۱۱-۲۱۲). او بر منصور خروج کرد، در حالی که پدر، عموها و عده ای از وابستگانش در حبس منصور بودند. منصور سپاهی

موجبات قیام شتابزده محمد بن عبدالله و برادرش ابراهیم و فائق آمدن منصور عباسی بر آنان را فراهم آورد. همچنین، حذف حامیان اصلی حرکت آنان را نیز به همراه داشت؛ به طوری که در نهایت، از میان هجده نفر زندانی زیر زمین قصر ابن هبیره، نه نفر جان باختند که علاوه بر محمد بن عبدالله عثمانی، برادر مادری عبدالله محض، هشت تن دیگر از بزرگان حسنی از نسل حسن مثنی، همچون عبدالله محض و برادران او ابراهیم و حسن مثلث از آن جمله بودند.

پی نوشت‌ها

۱- ابواء نام آبادی از توابع مدینه و برسر راه مدینه به مکه است. دلایل انتخاب این مکان برای گردهمایی را می‌توان موقعیت مکانی و جغرافیایی این مکان، دور بودن آن از مدینه و وجود وادی مرتج در نزدیکی ابواء که به فرزندان حسن بن علی (ع) تعلق داشت، دانست. (برای اطلاع بیشتر از ابواء نک: یا قوت حموی، [بی تا]: ۱۰۱-۱۰۲ و در ارتباط با املاک فرزندان حسن بن علی (ع) در وادی مرتج نک: احمد علی، ۱۳۷۵: ۳۵۳).

۲- اگرچه دینوری این تاریخ را صراحتاً سال ۱۰۰ هجری می‌داند، اما با توجه به آنکه کوشش عباسیان برای در دست گیری قدرت و فرستادن مبلغان به طور کامل از زمان محمد بن علی بن عبدالله بن عباس قابل مستند سازی است، می‌توان این تاریخ را قبل از سال ۱۰۰ هجری نیز دانست.

۳- یا قوت حموی آورده است که حمیمه نام شهری در سرزمین شراه (خوارج) در کارگزاری عمان در اطراف شام است، که زیستگاه فرزندان عباس بود. نیز نام دیهی است در دره «مر» از بخشهای مکه میان «سروعه» و «بریراء». در آنجا چشمه و نخلستانی هست (حموی، [بی

حسین بن علی به همسری عبدالله بن عمرو بن عثمان درآمد و نتیجه این ازدواج، سه فرزند به نامهای محمد، قاسم و رقیه بودند. محمد ملقب به دیباج بود. او به همراه برادرش، عبدالله توسط منصور دستگیر شد و سپس به قتل رسید. نام او را به دلیل نام پدرش و برای تمیز از نام های مشابه محمد بن عبدالله عثمانی نیز آورده اند (اصفهانی، [بی تا]، ب: ۱۸۰ و ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۶۵-۶۶).

۱۳- بنا به روایتی از اصفهانی، او از یاران محمد بن عبدالله بود. (نک: اصفهانی، [بی تا]، ب: ۱۹۲).

۱۴- بلاذری در خصوص هاشمیه آورده است که یزید بن عمر بن هبیره، شهری را در کوفه کنار فرات بنا کرد و در آن منزل گزید و اندکی از آن مانده بود که نامه مروان به وی رسید و از او خواست تا از مجاورت اهل کوفه اجتناب کند. وی آن موضع را ترک کرد و در کنار جسر سورا، قصری را که به قصر ابن هبیره معروف است، بنا کرد. چون ابو العباس به خلافت رسید، به آن شهر رفت و آنچه ناقص مانده بود را تمام کرد و در آن بنایی ساخت و نام شهر را هاشمیه نهاد، لکن مردم به عادت گذشته آن را به ابن هبیره نسبت می دادند. به همین دلیل آن را ترک کرد و در برابرش هاشمیه دیگری ساخت و آن جا ساکن شد. منصور عباسی پس از روی کار آمدن در هاشمیه کوفه منزل کرد و آنچه از آن مانده بود را تمام کرد و به بنای آن افزود و شهر را به شکلی که میل داشت، مجهز کرد. سپس بغداد را ساخت و آن را تعمیر کرده، مدینه السلام نامید و از هاشمیه به آنجا نقل مکان کرد. منصور، عبد الرحمن بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب را به خاطر دو پسرش محمد و ابراهیم در هاشمیه زندانی کرد. (بلاذری، ۱۴۱۲: ۳۳۱). حافظ ابرو نیز در توضیح قصر

برای مقابله با او فرستاد. جنگ شدیدی در آستانه مدینه در گرفت تا اینکه او به قتل رسید و سرش را به نزد منصور بردند.

۶- بغیبات مجموعه چاهها و چشمه هایی هستند که علی (ع) خود آنها را حفرو اراضی را آباد نمود. سپس آنها را وقف کرد. عبدالله بن جعفر بن ابیطالب این چشمه ها را به معاویه فروخت و این چشمه ها همچنان در تصرف ماند تا هنگامی که بنی هاشم صوافی را در اختیار گرفتند. در این زمان، عبدالله محض درباره چشمه ها با ابوالعباس خلیفه عباسی گفتگو کرد و خلیفه آنها را به اوقاف یا صدقه علی (ع) بازگرداند (نک به: ابن شیه، ۱۳۸۰: ۲۱۹-۲۲۰).

۷- از آن جا که از طرفی در سنت عرب، یکی از معیارهای انتخاب شیخ قبیله، سن فرد بود و تمایل به ادامه این سنت پس از وفات پیامبر (ص) وجود داشت و از طرفی دیگر، ابوبکر در زمان حیات پدرش به خلافت رسیده بود، منصور عباسی به طعن این سنت را به محمد نفس زکیه یادآوری می کرد که با وجود پدر مدعی خلافت بود.

۸- برای اطلاع از روایات مختلف در خصوص دستگیر شدن عبدالله محض نک: بلاذری، ۲۰۰۰: ۸۵-۸۶؛ طبری، [بی تا]: ۵۲۴-۵۲۵، اصفهانی، [بی تا]، الف: ۱۳۴-۱۳۵.

۹- از حاکمان مدینه در زمان منصور عباسی.

۱۰- منابع متقدم به روایاتی از ارتباط مستقیم و غیر مستقیم عبدالله محض با محمد و ابراهیم در طول مدت اسارتش در مدینه اشاره کرده اند (نک: اصفهانی، [بی تا]، الف: ۲۱۲).

۱۱- از حاکمان مدینه در زمان منصور عباسی.

۱۲- پس از مرگ حسن مثنی، همسرش، فاطمه دختر

«المجدی» محل مرگ او را زندان هاشمیه دانسته است (نک: العمری، ۱۴۰۹: ۶۶).

۲۰- در برخی منابع، از طریق عبدالله محض و جعفر بن محمد، روایتی واحد از پیامبر(ص) در خصوص منزلت هفت تن از علویان مدفون در کنار شط فرات نقل گردیده است که شاید بتوان آن را با افراد در گذشته در زندان هاشمیه منطبق کرد (طبری، بی تا: ۱۸۸ و ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۸۷-۸۸)؛ هرچند مؤلف به لزوم احتیاط در اشاره به چنین روایاتی واقف است.

۲۱- از جمله تحقیقات جدیدی که در خصوص حسنین انجام شده، کتاب «جنبش حسنین، ماهیت فکری و تکاپوهای سیاسی» است که فهرست محبوسین و رهایی یافتگان بدون تنقیح در آن آمده است (نک: الهی زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۶ و ۱۶۰-۱۶۱).

منابع

۱. ابن ابی الحدید. (۱۳۷۲). شرح نهج البلاغه، ج ۷، تهران: نشرنی.
۲. ابن اثیر. (۱۹۷۹). الكامل فی التاريخ، ج ۵، بیروت: دار صادر.
۳. ابن جوزی. (۱۴۰۱). تذکره الخواص، بیروت: انتشارات مؤسسه اهل بیت.
۴. ابن سعد. (۱۳۷۹). طبقات، ج ۶، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۵. ابن شبه. (۱۳۸۰). تاریخ مدینه منوره، تهران: نشر مشعر.
۶. ابن طاووس. (۱۴۱۶). اقبال الاعمال، ج ۳، [بی جا]: مکتب اعلام اسلامی.
۷. ابن طقطقی. (۱۴۱۸). الاصلی فی انساب الطالبین، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.

ابن هبیره آورده است که این موضع منسوب به یزید بن عمرو بن هبیره است. او از سوی مروان والی عراق بود. چون سفاح به خلافت رسید، در این مکان عمارات زیادی از کوشک و باغ و بازارهای پوشیده بنا کرد، و آن را هاشمیه نام نهاد، اما مردم به همان نام اول، قصر هبیره، آن را می خواندند (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۷۶).

۱۵- اعقاب حسن بن علی از نسل دو فرزندش حسن و زید هستند (بخاری، ۱۹۶۲: ۴؛ ابن عنبه، ۱۳۴۷: ۱۰۲، و به کوشش رسول جعفریان، ۱۳۷۷ش: ۲۶). پنج فرزند پسر حسن مثنی که از ایشان اعقابی به جا مانده است، عبدالله محض، ابراهیم الغمر، حسن مثلث، جعفر و داوود هستند (بخاری، ۱۹۶۲: ۵-۶؛ ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۶۴ و ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۰۱). فرزندان حسن مثنی به همراه برخی از فرزندان ایشان و نیز محمد بن عبدالله عثمانی- برادر مادری عبدالله محض- از جمله کسانی بودند که توسط منصور عباسی زندانی شدند.

۱۶- ابراهیم را به خاطر جود و کرمش «الغمر» لقب داده اند (حسنی، ۱۹۹۷: ۶۴).

۱۷- تنها فرزندان حسن بن علی(ع) که از آنان نسلی باقیمانده است، حسن مثنی و زید بن حسن هستند که استراتژی و عملکرد سیاسی این دو و اعقابشان با یکدیگر متفاوت است.

۱۸- شرح قیام محمد نفس زکیه و برادرش، ابراهیم در مدینه و بصره در بیشتر منابع تاریخ عمومی آمده است. (نک: اشعری، ۱۳۶۲: ۱۶۲؛ ابن عبدربه، ۱۴۱۹: ۸۵؛ حسنی، ۱۹۹۷: ۵۸).

۱۹- شایان ذکر است که ابن فندق، محل مرگ عباس بن حسن را زندان هاشمیه و محل مرگ عبدالله را ربذه عنوان کرده است و این با زمان مرگ که آورده سال ۱۴۵ق است، متناقض است؛ ضمن آنکه صاحب کتاب

۸. ابن عبد ربه اندلسی. (۱۴۱۹). عقد الفرید، ج ۵، بیروت: انتشارات دار و مکتبه الهلال.
۹. ابن عساکر. (۲۰۰۱). تاریخ دمشق، ج ۲۹، تحقیق علی عاشور الجنوبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. ابن عنبه. (۱۳۶۲). عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم: الرضی.
۱۱. _____. (۱۳۴۷). فصول الفخریه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. ابن فندق. (۱۴۱۰). لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، ج ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۳. ابن قتیبه. (۱۹۶۷). المعارف، ج ۲، مصر: [بی نا].
۱۴. ابن مسکویه. (۱۳۷۹). تجارب الامم، ابوالقاسم امامی، تهران: دارسروش.
۱۵. ازدی، یزید بن محمد. (۱۹۶۷). تاریخ موصل، تحقیق علی حبیب، قاهره: [بی نا].
۱۶. اشعری، علی بن اسماعیل. (۱۳۶۲). مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین، تهران: امیر کبیر.
۱۷. اصفهانی، ابوالفرج. [بی تا]. الاغانی، ج ۲۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۸. _____. [بی تا]. مقاتل الطالبیین، هاشم رسولی محلاتی [بی جا]: [بی نا].
۱۹. بخاری، ابونصر. (۱۹۶۲). سر سلسله علویه، نجف: انتشارات حیدریه.
۲۰. بلاذری احمد بن یحیی. (۲۰۰۰ م). انساب الاشراف، ج ۷، دمشق: دارالیقظه العربیه.
۲۱. _____. (۱۴۱۲). فتوح البلدان، سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
۲۲. حافظ ابرو. (۱۳۷۸). جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، تهران: بنیاد نشر میراث مکتوب.
۲۳. حسنی، یحیی بن طبا طب. (۱۹۹۷). اربع مخطوطات فی انساب اهل بیت (انباء الامام فی مصر و شام)، دمشق: دارالکتان.
۲۴. حموی، یاقوت. [بی تا]. معجم البلدان، ج ۲، تحقیق فرید عبدالعزیز جندی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۵. دینوری، احمد بن داوود. [بی تا]. اخبار الطوال، تحقیق عبد المعظم عامر و جلال الدین شیال، [بی جا]: [بی نا].
۲۶. طبری، محمد بن جریر. [بی تا]. تاریخ طبری، ج ۷، قاهره: انتشارات دارالمعارف.
۲۷. _____. (۱۹۴۹). تاریخ امم و الملوک، قاهره: مطبعه التجاریه.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۹۶۱). الرجال، نجف: انتشارات حیدریه.
۲۹. العمری، علی بن الغنایم. (۱۴۰۹). المجدی فی انساب الطالبیین، ج ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳۰. مجهول المؤلف. (۱۹۷۱). اخبار الدوله العباسیه، تحقیق عبدالعزیز دوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت: دار الطلیعه.
۳۱. _____. [بی تا]. العیون والحدائق فی اخبار الحقایق، ج ۳، بغداد: مکتب المثنی.
۳۲. المحلی، احمد بن محمد. (۱۴۲۳). حدائق الوردیه، تحقیق المرتضی بن زید المحطوری الحسنی، صنعاء: مرکز بدر العلمی و الثقافی.
۳۳. مسعودی علی بن حسین. [بی تا]. مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، بیروت: دار اندلس.
۳۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. [بی تا]. الارشاد، بیروت: انتشارات مؤسسه اعلمی.

۳۵. هارونی حسنی، یحیی بن حسین بن هارون.
(۱۴۲۲). *الافاده فی معرفه الساده*، تحقیق ابراهیم بن
مجدالدین بن محمد مویدی و هارون بن حسن بن
هادی خمیری، صعه: مرکز انتشارات الدراره الاسلامیه.
۳۶. یعقوبی، احمد ابن واضح. (۱۹۶۰). *تاریخ یعقوبی*،
ج ۲، بیروت: دار صادر.

مطالعات و تحقیقات:

۳۷. احمد علی. (۱۳۷۵). *حجاز در صدر اسلام*،
عبدالمحمد آیتی، قم: نشر مشعر.

۳۸. الهی زاده محمد حسن. (۱۳۸۵). *جنبش حسنین؛*
ماهیت فکری و تکاپوهای سیاسی، قم: شیعه شناسی.

۳۹. به کوشش جعفریان، رسول. (۱۳۷۷). *میراث*
اسلامی ایران، (دفتر هشتم)، قم: کتابخانه آیت الله
مرعشی.

۴۰. الغریری (الغروای)، سامی. (۲۰۰۶م). *الزید بین امامیه*
و اهل سنه، [بی جا]: دارالکتاب الاسلامی.

۴۱. مختارلیتی، سمیره. (۱۳۸۴). *جهاد شیعه در دوره اول*
عباسی، محمد حاجی تقی، قم: شیعه شناسی.

۴۲. الوجیه، عبدالسلام بن عباس. (۱۴۲۰). *اعلام المؤلفین*
الزیدیه، عمان: موسسه الامام زید بن علی الثقافیه.